

ادامه از صفحه ۵

آتهایی که سازمان حکمرانی را مختل می کنند!

شکی نیست که صدها هزار نفر-ساعت کارشناسی و مدیریتی صرف بررسی و تدوین این سیاست‌ها در وزارتخانه‌ها و مجموعه‌های مختلف شده و در نهایت با تجمع آنها گزارش ملی مزبور تهیه شده است. پس از آن و با توجه به منافع مورد انتظار از توافق‌نامه پاریس، میزان کاهش انتشار دواطلبانه ایران چهار درصد اعلام شده است.

این در حالی است که مطابق سیاست‌های کلی نظام در حوزه اصلاح الگوی مصرف (الایغی) مقام معظم رهبری) و برنامه‌های توسعه ملی و بخشی، دستگاه‌ها مکلف به کاهش انتشار (عمدتا منجن از بهره‌وری انرژی) به میزان بیش از ۳۳ درصد در انتهای برنامه پنجم و ۵۰ درصد در انتهای برنامه ششم بوده‌اند.

نفی سیاست کاهش انتشار چهار درصد به طریق اولی می تواند مصداقی از نفی سیاست کاهش انتشار ۳۳ درصد و ۵۰ درصد مطابق سیاست‌های کلی نظام در حوزه الگوی مصرف و قرار به جلوی برخی مدیران نالایق در جهت عدم هرگونه پایبندی (و عدم اجرای) سیاست‌های کلی نظام تلقی شود.

البته که سیاست کاهش انتشار چهار درصد اعلام‌شده همانند سیاست کاهش انتشار ۳۳ درصد ۵۰ درصد برنامه‌ریزی‌شده مغایرتی با توسعه کشور و زمینه‌های مختلف نداشته و با لحاظ برنامه‌های توسعه کشور (از جمله بخش نفت و گاز) برآورد شده است. به عبارت دیگر، چهار درصد کاهش انتشار در مقایسه با سناریوی ادامه روند موجود کشور اعلام شده است.

مثلا اگر در حال‌حاضر انتشار یک‌بخش یک میلیون تن باشد و طبق روند موجود و در قالب توسعه اقتصادی پیش‌بینی‌شده کشور در ۱۰ سال آینده انتظار بود انتشار این بخش به دو میلیون تن برسد، آن‌گاه طبق سیاست اعلامی، ایران نادیده‌ی خواهد اندیشید که انتشار مزبور در ۱۰ سال آینده به میزان چهار درصد یعنی ۸۰ هزار تن کمتر باشد. یعنی به جای افزایش از یک میلیون تن به دو میلیون تن، از یک میلیون تن به ۱۰۹۲۰ هزار تن افزایش باید و این در حالی است که سیاست‌های کلی نظام ایجاب می‌کند که حداکثر انتشار در ۱۰ سال آینده یک میلیون و ۵۰۰ هزار تن باشد.

اینکه با اعلام سیاست کاهش انتشار محافظه‌کارانه فوق که به آسانی قابل تحقق است، کشور دنبال چه منافع بین‌المللی در بعد سیاسی، زیست‌محیطی، فرهنگی و اقتصادی است، خود بحث مفصل دیگری است اما در هر حال رویه کنونی در برهه جاری نیز رویکردی در تقابل با اقدامات حاکمیتی کشور دار.

مسئلا تصمیم‌گیری در خصوص یک موافقت‌نامه بین‌المللی پشت درهای بسته یک اداره کوچک صورت نمی‌گیرد. درباره توافق‌نامه پاریس صدها نفر-روز مدیران برجسته کشور از سازمان محیط زیست، وزارت امور خارجه، وزارت جهاد و کشاورزی، سازمان هواشناسی، مجلس شورای اسلامی و بسیاری دیگر (که اصولا جمع نخبگان مدیریتی و کارگزاران نظام حاکمیتی هستند در اجلاس‌های جهانی شرکت و به قطع و یقین منافع جمهوری اسلامی ایران در مراحل مختلف تدوین چنین موافقت‌نامه‌ای را پیگیری و محقق کرده‌اند. همچنین در تدوین سیاست‌های کاهش انتشار کشور و اهداف مشارکت ملی نیز چنین طماحی در میان بوده است.

حال اینکه یک گروه یا مجموعه بعد از مدت‌ها بخواهد همه آن تلاش‌ها و سازوکارها برای تصمیم‌سازی در کشور را دور بزند یا وتو کند یا تغییر دهد و تصمیم دیگری بگیرد، آن‌گاه از نگاه بیرونی معنایی جز بی اعتبارکردن و کنارگذاشتن سازوکار تصمیم‌سازی قانونی در کشور ندارد.

اقدامات چنین اقداماتی خوشایند نیست. گزارشات کارشناسی در دفاعات بعد از عمق کافی برخوردار نخواهد شد چراکه طبق همین رویه، چنین تعبیر خواهد شد که گزارشات کارشناسی (و حتی مدیریتی) تهیه‌شده در ساختار و سازمان رسمی حکمرانی کشور مبنای تصمیم‌گیری در کشور قرار ندارد.

این منظر را در تخریب برخی دیگر از اقدامات دولت (مثلا در عقد قرارداد با شرکت‌های خارجی یا سیاست‌های منطقه‌ای) نیز می‌توان مشاهده کرد. در همه این مجادلات سعی وافری در تغییر کاتال رسمی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در کشور مشاهده می‌شود.

بی‌اعتبارکردن بزرگ‌ترین دستگاه حاکمیتی و سعی در تغییر مسیر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، هرگز یک رفتار عقلانی نیست کمااینکه ایجاد نهاد جدید تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در کشور نیز در بهترین حالت، دولتی موازی با امکانات و توان علمی و مالی بسیار پایین‌تر خواهد بود و از این حیث تغییر عمده‌ای در نتیجه حاصل نخواهد شد. البته متغییر نیز به دنبال تغییر نتیجه نیستند بلکه به دنبال تغییر عامل هستند.

طنز عجیب روزگار است که عده‌ای که خیلی وقت‌ها خاستگاه کارشناسی و هویتی آنها مشخص نیست، عملا کل ساختار و سازمان حکمرانی کشور را به باد استهزا گرفته و برای آوارکردن این سازمان از هیچ کاری فروگذار نمی‌کنند.

سازمان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در کشور بسیار پرهزینه بوده و تجمیع‌گران قیمتی از تجارب و دانش را در خود ذخیره کرده است.

« کارشناس ارشد انرژی‌های نو

اقتصاد

تیم اقتصادی دولت باید حق وتو داشته باشد



عکس: رویوف رستگاری شرق

بر اساس ایدئولوژی، خودمان را اداره کنیم. مجلس، دولت و قوه قضائیه از همین ایدئولوژی پیروی می‌کنند. بنابراین دولت در اینجا جزئی از سیستم وسیعی است که بر اساس تلقی آنها از اسلام، در رابطه با جهان خارج تصمیم می‌گیرند. اینها، مقامات رسمی کشور هستند. از طرفی ما یک مجموعه غیررسمی هم در کشور داریم. به عنوان مثال، مجموعه انمه جمعه که هر جمعه درباره مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر می‌کنند. بنابراین بسیاری از مقامات، نهادها و اشخاص، درگیر تولید و

مواجه با امور کشور هستند. بر این اساس، نمی‌توان گفت آن بستری که وجود دارد، کارکرد دولت را به‌هم ریخته است. خود دولت نقش دارد. ولی بسیاری دیگر هم در این محبت نقش دارند. پس دو وضعیت وجود دارد: یکی اینکه بگوییم دست از ایدئولوژی برداریم که این سخن با ماهیت انقلاب اسلامی ناسازگار است و من شخصا طرف این فکر نیستم. بحث دوم این است که آیا تلقی‌های ما از اسلام نسبت به جهان بیرونی، لزوما بهترین تلقی است؟ در اینکه ما دشمنان عنودی داریم، تردیدی نیست. ولی آیا موضع‌گیری ما و سیاست‌گذاری‌های ما متناسب با این شرایط زمانی و مکانی هست یا خیر؟ دراین‌باره می‌توانیم بحث کنیم و البته دولت هم می‌تواند به این سمت برود. به عبارتی، انقلاب اسلامی وقتی رخ داد که

شوری سابق هنوز وجود داشت و در افغانستان دخالت می‌کرد. همچنین جغرافیای منطقه‌ای ما طور دیگری بود. ولی درحال‌حاضر، سی‌وچند سال از انقلاب گذشته و تغییرات بزرگی در جهان رخ داده است. سوسیالیسم شکست خورده است، شوری از هم پاشیده و قدرت‌های دیگری به وجود آمده‌اند. اینها این است که آیا سیاست‌های خارجی ما متناسب با اوضاع دنیا به‌روز شده؟ تا چه میزان؟ اگر ما به این مسائل بیندیشیم، می‌توانیم ایدئولوژی خود را حفظ کنیم و کسی هم جرئت نکند بگوید چالش‌های موجود به خاطر ایدئولوژی است. البته من اعتقاد دارم که دیگران هم برای ما درسرهای زیادی درست می‌کنند. به‌رحال قدرت‌هایی هستند که منافع‌شان به خطر می‌افتد. اگر منصفانه نگاه کنیم، باید گفت زیرکی و کیاست این حکومت می‌تواند به توجّه به شناختی که از دشمن پیدا می‌کند، سیاست‌هایی را دنبال کنیم که کمترین آفت را برای کشور داشته باشد تا آن بستر هموار شود. دولت هرچند که نقشی مهم دارد؛ اما واضح است که همه نقش‌ها بر عهده دولت نیست.

❖ برای پیشبرد اهداف اقتصادی، استفاده از تکنوکرات‌ها در تیم اقتصادی دولت دوازدهم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
اشاره‌ای هم به محبت «ایدئولوژی» داشتید. کنار مهم‌آمدن این دو مقوله را چگونه تایل می‌کنید؛ کمااینکه عده‌ای این دو مفهوم را در تقابل تام با یکدیگر تعریف می‌کنند. نظر شما چیست؟ آیا احساس نمی‌شود کابینه اقتصادی دولت به حضور این تکنوکرات‌ها نیاز مبرم دارد؟

البته که به تکنوکرات‌ها نیاز دارد. ولی من شخصا بین «تکنوکرات‌بودن» و «باورداشتن» به رویکردهای اساسی کشور منافاتی نمی‌بینم. من با حضور تکنوکرات‌هایی که در مجموعه‌ای رسمی جمهوری اسلامی برایشان موضوعیت ندارد در دولت موافق نیستم. درحین‌حال معتقدم دولت بدون حضور صاحبان فن و تکنیک به‌خوبی اداره نمی‌شود. فارغ‌التحصیلان مقاطع تکمیلی در دوران بعد از انقلاب در کشور فراوان هستند. بنابراین ما تکنوکرات‌های متدین و معتقد به قانون اساسی فراوان داریم و باید از آنها استفاده کنند. استفاده از تکنوکرات شرط لازم است، ولی به‌کارگیری تکنوکراتی که در ایدئولوژی هماهنگ نباشد نقض غرض است. دولت باید با چنین رویکردی قانون اساسی کشور را اداره کند. قانون اساسی مبنای دارد. صاحب فنی که می‌خواهد خوب عمل کند باید با توجه به آن مبنای امور را اداره کند.

❖ در دوران اشاعات شاهد حضور تکنوکرات‌هایی بودیم که کارنامه اقتصادی و حتی اخلاقی‌شان نسبت به افرادی که به‌عنوان مثال در دوران آقای احمدی‌نژاد بودند و صرفا شعار ایدئولوژیک خاصی را سر می‌دادند، بهتر بود. حضور این افراد در کابینه دوازدهم و به‌ویژه در تیم اقتصادی دولت را مناسب می‌دانید یا خیر؟

خیلی از تکنوکرات‌های اصلاح‌طلب تا جایی که من آنها را می‌شناسم، به قانون اساسی پایبند بوده‌اند و هستند و می‌توان از آنها استفاده کرد. مگر موارد استثنای که قانون برای آنها حکم خاصی در نظر گرفته باشد یا محکوم شده باشند. در مجموعه‌ای از آنها که من می‌شناسم افراد قابل و معتقد به قانون اساسی زیاد هستند.

❖ ضعف اقتصادی دولت یازدهم را تا چه میزان می‌توان به نبود همین تکنوکرات‌ها نسبت داد؟ مجلس نهم مانع حضور آنها نشد؟

در سطح مجلس ممکن است این امر برای وزارتخانه‌هایی که به وزیر پیشنهادی آنها آرا می‌ثبت ندادندانه واقع شده باشد، ولی در سطح پایین‌تر از

❖ برای انتخاب مدیران اقتصادی کشور، به نظر شما در ایران از فرمول خاص و مشخصی استفاده می‌شود یا خیر؟ ارزیابی شما از نحوه انتخاب مدیران اقتصادی در ایران چگونه است؟

از آن جهت که در کشور حزب به معنای واقعی نداریم، بنابراین کسی که به قدرت می‌رسد، نمی‌تواند از بین نیروهای حزبی شایسته دست به انتخاب بزند. انتخاب افراد در نهایت محدود به دوستان و همکاران و اطرافیان می‌شود. به نظر می‌آید هم آشنایی و هم مشرب سیاسی دو

انتخاب بقیه مدیران را بعضا واگذار می‌کند. درمجموع فرمول خاصی برای انتخاب مدیران وجود ندارد.

❖ اوضاع در کشورهای دیگر ازجمله کشورهای پیشرفته را نسبت به ایران چگونه می‌دانید؟ توسعه و پیشرفت اقتصادی این کشورها به همین فرمول خاص در انتخاب مدیران بازمی‌گردد یا خیر؟

این امر متقابل است. توسعه اقتصادی در بسیاری مسائل تأثیر می‌گذارد. در یک نظام توسعه‌یافته، نظام اداری نیز توسعه‌یافته است. فرمول خاصی که وجود دارد این است که بین مقامات سیاسی با مقامات کارشناسی تفاوت و تفکیک وجود دارد. در دولت، وزیر و معاونان وزیر عمدتا پست سیاسی دارند ولی از مدیرکل و کارشناس به بعد باید توجه کرد که این افراد به دلیل کارآمدی‌شان، سر کار باشند نه به جهت تغییر مقام سیاسی. بدنه کارشناس باید کار خود را انجام دهد. سطح و تعداد کارشناس بعد از تغییر مقام سیاسی نباید تغییر کند. در کشورها پیشرفته کارشناسان و مدیران مدام عوض نمی‌شوند. البته اخیرا شاهد احیای «سازمان امور اداری و استخدامی کشور» در ایران هستیم. این سازمان از سازمان برنامه و بوجه هم مهم‌تر است. این سازمان متناسب با تکنولوژی روز، مدام باید شرح وظیفه و جایگاه‌ها را بنویسد تا وظایف کارشناس‌ها مشخص شود و ارشذیت‌ها و بوروکراسی‌ها رعایت شود؛ هرچند ما از بوروکراسی تعبیر غلطی داریم. بوروکراسی یعنی کار براساس وظیفه و ارشدیت. بوروکراسی کلمه خوبی است ولی ما آن را بد تعریف کردیم. در عمده کشورهای دیگر یک نظام بوروکراتیک حاکم است که در آن نظام کارشناس حرف خود را می‌زند و با مدیران سیاسی کشور نیز برخورد ندارد. البته اینجا این‌گونه نیست.

❖ با این جمله که میزان موافقت که در ایران، مدیران ازجمله مدیران اقتصادی کشور از قبل تعیین شده‌اند و بر دولت‌ها تحمیل می‌شوند؟

اگر منظور همین کارشناس‌ها و تکنوکرات‌هایی باشد که به آن اشاره شد، چندان باوری به آن ندارم. در سطح وزرا ممکن است یک یا دو وزیر در مشورت با مقامات به تفاهماتی برسند که آن‌هم برای اداره کشور خوب است. این نوع انتخاب نهایتا شاید در سطح چند نفر اعمال شود.

❖ همین مجموعه چندنفره نمی‌تواند در مدیریت اقتصادی کشور تأثیرگذار باشد؟

خیر. مثال می‌زنم. فرض کنید که وزیر اطلاعات با مشورت رهبری تعیین شود. به کجا لطمه می‌خورد؟ به نفع کشور هم است. با مشورت کسی که سالیان سال تجربه دارد، شخصی تعیین می‌شود و این‌گونه به رئیس‌جمهور هم کمک می‌شود. از حمایت‌های بعدی هم برخوردار است. اینها در این حد لطمه نمی‌زند. من رئیس‌جمهوری هم مشاهده نکرده‌ام که بگوید هیچ‌کس حتی در این حد در کار من دخالت نکند. انتخاب‌ها به صورت مشورتی است؛ اما ممکن است کسی به جهت نافذبودنش، سخنش نافذتر و مفیدتر قرار بگیرد.

❖ آن‌چنان که بعدها مشخص شد، تعدادی از وزرا و افرادی که در تیم اقتصادی دولت یازدهم بودند، با دولت همدلی و همفکری نداشتند. این همدلی‌ناداشتن در حین انتخابات بیشتر به چشم آمد. این مسئله به نوبه خود در روند تصمیمات اقتصادی دولت تأثیرگذار بوده یا خیر؟

من البته چنین استنباطی ندارم. حمایت‌نکردن علنی از رئیس‌جمهور از سوی وزرا و تیم اقتصادی او به هنگام انتخابات می‌تواند حتی به نفع رئیس‌جمهور هم باشد؛ چون این مسئله رئیس‌جمهور را از اینکه از امکانات عمومی بهره رده تا تبلیغات کند، مبرا خواهد کرد. مسئله دیگر این است که وقتی فردی در جمعی قرار می‌گیرد، باید با براین جمع خودش هم توفیقی نمی‌یابد.

❖ از اکنون بحث نمی‌شدن کابینه و استفاده از بانوان در کابینه مطرح است. آیا توان و پتانسیل اقتصادی دولت دوزادهم با جوان‌شدن کابینه و استفاده از زنان افزایش خواهد یافت؟

البته مایکین سن محبت وزیران اگر مقداری پایین‌تر بیاید، مطلوب‌تر است. کار مقداری سنگین است؛ البته این تصمیم به معنای کنارگذاشتن افراد مجرب نخواهد بود. افتخار هر دولتی باید این باشد که از افراد ارشد و پیش‌کسوت استفاده کند. استفاده از کسانی که سالیان سال زحمت کشیده‌اند را من بر خود لازم می‌دانم؛ هرچند شاید مصلحت این باشد که در حوزه اجرایی حضور نداشته باشند و از آنها مشورت بگیرند.

درباره استفاده از بانوان، مسئله به این برمی‌گردد که زست سیاسی باشد یا نباشد. تجربه ما در وزیربودن خانم‌ها زیاد نبوده؛ ولی آنچه بوده، نشان داده که هیچ‌گونه کاستی دراین‌باره نداشته‌اند. اگر کاستی کارآمدی هم برای خانم‌ها بوده، ممکن است خانم‌ها به خاطر مسائل خانوادگی و فرزندان‌شان محدودیت‌هایی داشته باشند

که قاعدا تا باید با حجم کاری که برعهده‌شان گذاشته می‌شود، این مسئله مدنظر قرار گیرد. من ناکارآمدی ویژه‌ای در خانم‌ها ندیده‌ام که آنها را برای وزارت لایق نشان ندهد؛ حتی خیلی از خانم‌ها را می‌شناسم که دقیق‌تر از آقایان کار می‌کنند؛ اما باید دقت شود که این مسئله را به‌عنوان یک حربه سیاسی مدنظر قرار ندهند.

❖ شرایط منطقه‌ای و زدوخوردهای سیاسی و درهات مسئله برجام، به نظر شما در چشش کابینه دوازدهم و تیم اقتصادی آن تأثیر خواهد داشت یا خیر؟ آیا اصولا دولت باید به این مسئله توجه داشته باشد؟

بدون‌شک ملاحظه مواضع دولت جدید آمریکا و شرایط منطقه‌ای باید در تشکیل دولت جدید و از آن جمله ترکیب تیم اقتصادی آن نقش غالب داشته باشد.

❖ با توجه به مشکلات داخلی کشور و مسائل منطقه‌ای، به نظر شما چه نتایجی عاید تیم اقتصادی دولت دوازدهم خواهد شد؟ پیش‌بینی شما چیست؟

اگر دولت تصمیمات خود را تابع کاملی از بهبود شرایط و مناسبات قدرت‌های بزرگ با ایران کند بدون شک فرصت‌هایش به‌سرعت از دست خواهند رفت. بنابراین بهینه آن است که حدی از محدودیت‌ها در ارتباط با خارج از کشور را فرض گرفته و با آن محدودیت‌ها برنامه‌ریزی واقع‌بینانه‌ای را تدارک ببیند اما همواره و به‌طور مستمر دنبال آن باشد که آن حد درنظرگرفته را از طریق بهبود در مناسبات خارجی ارتقا دهد. به این ترتیب حداقلی از آنچه باید بشود شکل می‌گیرد درحالی‌که قابل ارتقا هم خواهد بود. بنابراین حداکثر استفاده از فرصت برای کشور خواهد شد.

خبر

منطقه آزادانزلی میزبان

نمایشگاه دریایی، دریانوردی و بنادر

● ده‌ها شرکت، سازمان و نهادهای مرتبط با دریانوردی و صنعت دریایی داخلی و خارجی از ۱۰ تا ۱۳ مردادماه در نمایشگاه بین‌المللی دریایی، دریانوردی، بنادر و تجهیزات وابسته که در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی منطقه آزاد انزلی برگزار می‌شود، گرد هم می‌آیند و نوین‌ترین طرح‌ها و برنامه‌ها، نمایشگاه صنایع مرتبط با صنعت دریایی را به نمایش می‌گذارند. به گزارش روابطعمومی و اطلاع‌رسانی نمایشگاه بین‌المللی دریایی، دریانوردی و بنادر، در این نمایشگاه علاوه بر سازمان‌ها و شرکت‌های داخلی، نمایندگانی از کشورهای نروژ، فرانسه، چین، ترکیه، جمهوری آذربایجان، ایتالیا، آلمان، دانمارک، لهستان و سنکاپور حضور دارند. نمایشگاه بین‌المللی دریایی، دریانوردی، بنادر و تجهیزات وابسته در هشت بخش اصلی بنادر و کشتی‌رانی، صنایع ساخت و تعمیر کشتی، صنایع فراساحلی، خدمات دریایی و بندری، سازندگان و تأمین‌کنندگان تجهیزات دریایی، خدمات مشاوره و مهندسی، تحقیقات و آموزش دریایی و اقیانوس‌شناسی و علوم جوی برگزار می‌شود. در این نمایشگاه انواع تجهیزات حمل‌ونقل دریایی، صنایع کشتی‌سازی، صنایع فراساحل نفت و گاز، خدمات دریایی و بندری، امور نظامی و دفاعی، تجهیزات اقیانوس‌شناسی و هواشناسی، صنایع گردشگری و تفریحات دریایی، تجهیزات مهندسی سواحل، مهندسی سازه‌های دریایی، حقوق دریایی، مدیریت پروژه‌های دریایی، تجهیزات وسایل عرشه لنگرها، تجهیزات مخابراتی، سوخت و باتری موتورها، انواع شاورهای نفتی، باری و مسافری، سکوها و تجهیزات بندری ارائه خواهد شد. رئیس ستاد برگزاری نمایشگاه بین‌المللی صنایع دریایی، بنادر، دریانوردی و صنایع وابسته شناسایی و معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری را یکی از مهم‌ترین اهداف برگزاری این نمایشگاه بیان کرد و گفت: تلاش می‌کنیم با برگزاری نمایشگاه بین‌المللی دریایی، دریانوردی، بنادر و تجهیزات وابسته بین حوزه دریایی ج. ا.ایران با دیگر کشورها ارتباطات راهبردی و تعاملی را توسعه دهیم.مجموعه بندرچی با اشاره به ظرفیت‌های بالقوه و موجود حوزه دریایی کشور گفت: منابع و ذخایر غنی انرژی در دریا و وجود بیش از ۲۰۰ بندر بزرگ و کوچک بازگانی، نفتی و صیادی و همچنین ۱۱ بندر اصلی تجاری در سواحل شمالی و جنوبی کشور با ظرفیت حدود ۱۹۰۰ میلیون تن جابه‌جایی کالا و تسهیلات نقش ممتازی را برای توسعه فعالیت‌های دریانوردی کشور فراهم کرده است. گفتنی است هم‌زمان با برگزاری این نمایشگاه، نمایشگاه بین‌المللی شیلات، آبریان، صیادی و صنایع وابسته نیز در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی منطقه آزاد انزلی برگزار خواهد شد.

یک سازنده‌مسکن مهر:

هرروز دارم در پردیس ضرر می‌دهم

● ایست؛ یک سازنده مسکن مهر پردیس با بیان اینکه هرچقدر پروژه‌های مسکن مهر پردیس طول بکشد، هزینه‌های ثابت به ما تحمیل می‌شود، خبر داد: اگر پرداخت‌ها از سوی بانک به‌موقع انجام نشود ۶۵۰ واحد فاز پنج را در شهرپورماه افتتاح خواهیم کرد. ایرج رهبر اظهار کرد: تعجب می‌کنم که چرا برخی رسانه‌ها عنوان می‌کنند پیمانکاران پردیس دلشان می‌خواهد پروژه مسکن مهر طول بکشد. هرچقدر این پروژه طولانی شود، به ضرر سازنده است؛ زیرا به‌طور دائم هزینه‌های ثابت شامل پرسنل، دفتر و تشکیلات روی دوش ما قرار دارد.



هفته نامه نکته را یکشنبه ها از

روزنامه فروشی ها یا سایت جار بخواهید

www.jaara.com/archive/nokteh

تلفن : ۸۸۳۳۲۴۲۸